

# ترجمه‌ای نو از قرآن حکیم

قرآن حکیم

ترجمه: محمد خواجوی

قطع رحلی

ناشر: انتشارات مولی

قرآنی اخیراً ترجمه شده و به چاپ رسیده به نام «قرآن حکیم»، ترجمه محمد خواجوی که از جهت وجوه و نظایر و غریب و مقاصد قرآن همراه با شأن نزول و مبهمات قرآن می‌باشد. ما در این مقاله کوتاه در نظر داریم اشاراتی کوتاه در باره قرآن و مقدمه آن و نیز هر یک از موضوعات پیشگفته داشته باشیم.

ابتدا از کارهای هنری آن آغاز می‌کنیم. در دید نخست خط زیبای استاد بدالله کابلی خوانساری که نقش «القرآن الحکیم» را منقوش نموده و به طرز زیبایی کلمه مبارکه «یس» و واو قسم آن را در درون آن مندرج ساخته به چشم می‌خورد و ذوق هنری هر انسانی را که در درونش نهفته است بیدار می‌سازد.

پس از چندی که دیده بر آن خط زیبا قرار گرفت لغزیده و به بام دیگری فرود می‌آید و آن ترنج زیبایی است به خط بنایی که اثر استادالاساتید - آقای مهندس حسین لرزاده - معمار نامی و معروف سنتی اسلامی ایرانی است که آثار جاودان ایشان در هر گذری به چشم می‌خورد. در این ترنج آیه شریفه «یس والقرآن الحکیم» به خط بنایی درج شده است و این تنها آیه‌ای است که خداوند سوگند به قرآن حکیم می‌خورد بنابراین مقسم و مقسم‌علیه به طرز زیبا - که

از ابداعات ایشان است - در آن نقش شده است، در دو رأس ترنج دو عدد یازده کارسازی شده و این اشاره به آیه شریفه شماره چهار سورة مبارکه حدید است که می‌فرماید: «هو الاول و الاخر و الظاهر و الباطن...» الایة که عدد یازده به حساب ابجدی مساوی با اسم «هو» می‌باشد و در قسمت زیر ترنج عدد «۲۰۲» به چشم می‌خورد که به حساب ابجدی برابر با اسم «رب» است و در ضمن مساوی با محمد «۹۲» و علی «۱۱۰» می‌باشد و مصداقش رباعی جناب آقای لرزاده است که سروده‌اند:

نودودو دویست‌ودو نشود      تا صدوده بر آن نیفزایی  
صفت رب نمی‌شود ظاهر      تا ره آن دو را نیمایی

پشت جلد دایره‌ای است که درون آن توسط گره کُند دو پنج خرد شده است- و این کارهای مهندس حسین مفید ناشر قرآن حکیم و شاگرد ممتاز آقای مهندس حسین لرزاده معمار معروف سنتی اسلامی ایرانی است - و شگفت آن که؛ با این که شکل مدور است هیچ محلی از دایره - آلات گره - خرده ندارد.

اما آستر بدرقه قرآن: گره‌ای است تند و چندزمینه‌ای دستگردان، شامل گره‌های: هفت و نه و ده و یازده و دوازده و هجده می‌باشد که از کارهای ممتاز استاد حسین لرزاده بوده که در شمشه وسط آن «یس والقرآن الحکیم» نقش شده است.

دیگر نقش مبارک بسم الله الرحمن الرحیم به خط بنایی در آغاز قرآن به چشم می‌خورد که از کارهای بدیع این فن است که پینمبر صلی الله علیه و آله فرمود: کل امرزی بال لم یبدأ به «بسم الله» فهو ابترا.

اما قرآن عزیز: مترجم محترم اگرچه در مشرق دهمین مقدمه؛ قرآن را به معرفی انجمن علمی که متشکل از قاریان و استادان فن اول تجوید و ترسیم و نقطه گذاری و غیره هستند معرفی و مطالب آن را کلاً به ترجمه آورده است، ولی باز برخی از امور فنی دیگر هست که قابل تذکار است: نخست آن که این قرآن که به «قرآن ماهر» معروف است محصول تحقیق و کوششهای فراوان دانشگاه الازهر - در سال ۱۳۳۷ هجری - بوده که در تحت نظر قاریان و مقریان درجه یک آن زمان مصر، و به خط محمدعلی خلیف حسینی شیخ قاریان مصر به این صورت مطبوع درآمده و سپس به دستور ملک فؤاد اول در ۸۲۷ صفحه نوشته و نشر شده که ناشر محترم برای آن که با اضافه شدن مقدمه و مؤخره و ترجمه تناسب خود را از دست ندهد آن را در ۲۵۰

صفحه، صفحه آرایی کرده و در قطع رحلی و با کاغذ گلاسه یکصد و بیست گرمی و صحافی و تجلید اعلا منتشر نموده است.

کتابی که مستند قاریان و مقریان بوده همگی - مانند ترجمه - کتب طراز اول و از متون اولیه این فن است و مطالعه مشرق دهمین تمام این مرموزات را بیان می‌دارد و این تصحیح توسط قاریان و مقریان مصری و بنا به دستور ملک فواد اول صورت گرفته و اولین تصحیح و طبع علمی و انتقادی از قرآن مجید در اقطار اسلامی است که پس از آن دیگر - مطلقاً - کاری روی آن نشده و تمامی قرآنهایی که در ممالک عربی - مصر و سوریه و لبنان و حجاز - به چاپ می‌رسد، بر مبنای همین قرآن و از رسم الخط آن استفاده شده است.

اما در باره وجوه و نظایر: همانگونه که گفته شد وجوه در معانی است و نظایر در لفظ یعنی وجوه لفظ مشترکی است که در معانی مختلف به کار می‌رود، مانند امت و سوء و غیرهما، و نظایر عبارت است از الفاظ موافق و همانند یکدیگر، مانند امثال یعنی یک کلمه‌ای که در جاهای مختلف به کار می‌رود نظیر و یا عین لفظ بیان شده در جای دیگر باشد ولی هر بار با معنای متفاوت دیگری به کار رود و معنای هر کلمه با دیگری فرق داشته باشد یعنی کلمه‌ای در موقع استعمال منصرف به یک معنی باشد، پس وجوه لفظ مشترکی است که در معانی مختلف به کار می‌رود، ولی نظایر یک کلمه است که معانی متعدد در هر عبارات گوناگون از آن بر می‌آید پس نظایر اسم الفاظ و وجوه اسم معانی است مانند سوء و امثال که هر یک نظیر و یا نظایراند و معانی متعدد آنها در آیات قرآنی وجوه آنهاست چنان که سوء در آیه ۴۹ بقره و ۱۴۱ اعراف (یسومونکم سوء العذاب) یعنی شدت عذاب و در ۷۳ اعراف (ولاتمسوها بسوء) یعنی به عقر و کشتن و در ۲۵ یوسف (ماجزاء من اراد باهلك سوء) یعنی زنا و در ۳۷ مریم (ماکان ابوک امرأ سوء) یعنی زانی و در ۲۲ طه (تخرج بیضاء من سوء) یعنی بدون برص و پستی و در ۲۷ نحل (ان الخزی الیوم و السوء علی الکافرین) یعنی عذاب. و در ۱۱ رعد (ولوا اراد الله بقوم سوء) یعنی عذاب. و در ۱۱۹ نحل (ان ربک الذین عملوا السوء بجهالة) یعنی شرک، و در ۳۱ نجم (الساوا بما عملوا) یعنی اشركوا بما عملوا. و در ۲۵ رعد (ولهم سوء الدار) یعنی بد منزلی است، و در ۱۷ نساء (للذین یعملون سوء بجهالة) یعنی گناه، و در ۶۲ نحل (امن یجیب المضطر اذا دعاه و یكشف السوء) یعنی زیان، و در ۱۷ احزاب (ان اراد بکم سوء) یعنی گریختن و هزیمت و در ۱۷۴ آل عمران (لم یمسهم سوء) یعنی کشته شدن و بلیه.

دیگر شأن نزول آیات است که عبارت است از اقتضای نزول آن آیه به خصوص که در

آن هم بحث تاریخی است و هم شناخت حکمت و فلسفه احکام و قوانینی که در قرآن آمده و هم وقوف بر معنی و مفهوم و مقصد از آیه است که در اینجا شک برطرف می‌شود. و مطلب شأن نزول آیات صرفاً برای آشنایی ابتدایی پژوهشگر قرآنی در مورد آیه مورد بحث است که در استنتاج احکام فقهی و مفتیان را هم فراوان به کار آید. مقدار فراوانی از شأن نزول ما متأسفانه شامل اسرائیلیات است یعنی وقتی آیه‌ای نازل می‌گشت و در آن سخن از سرگذشت پیامبران پیشین و یا نزول احکام بود، یهودیانی که یا تازه اسلام آورده بودند و یا با مسلمین برخورد و رفت و آمد داشتند؛ پس از سنوالمسلمین از کیفیت این آیه؛ آن حکایاتی که افواهاً شنیده بودند و یا از دهان رؤسای خود بنا به اقتضای زمان؛ و یا اگر تازه مسلمان بودند به واسطه سادگیشان بیان می‌داشتند که با کیان اسلام و یا خود قرآن و شخصیت رسول اکرم و روایات تضاد داشت این دسته از تاریخیات و شأن نزولها را اسرائیلیات می‌نامند که مفسر قرآن، هر چه تحقیقش عمیق‌تر و آگاهی‌اش به فلسفه اسلام بیشتر و تسلطش بر روایات و تاریخ بیشتر باشد آنها را از شأن نزول آیات اسقاط می‌کند. چنان که در داستان حضرت داود و اوریا سردار و زن اوریا مطالبی از طریق یهودان رسیده که با مبانی قرآن و عصمت انبیا و تعارض اخبار دیگری که در این زمینه آمده برای مسلمانان - به ویژه شیعه - که پیغمبران را معصوم و از خطا و گناه میرا می‌دانند قابل قبول نیست، ولی این موضوع برای یهودیان که انبیا را هم‌تراز خود می‌دانند و دسته دسته آنان را مقتول می‌نمودند امری عادی و مطابق سیاست زمان و روز بوده است.

دیگر مبهمات قرآن است و آن همانگونه که در مقدمه آمده فقط از راه نقل و یا آمدن نام آن افراد در دیگر کتب آسمانی از قبیل تورات و زبور و انجیل - با همه تحریفاتش - امکان‌پذیر است، و آن همانگونه است که گفته شده؛ یعنی وقتی در آیه ۱۴ یاسین می‌فرماید: ما به آن قریه دو نفر را فرستادیم، مشخص می‌شود که نام قریه انطاکیه است و نام آن دو نفر شمعون و یوحنا بوده و به قول دیگر صادق و صدوق، و در آیه دیگر که فرموده: به سومی نیرویشان دادیم، سومی بولس؛ و به قولی شلوم بوده است، و یا در آیه ۲۰ یاسین می‌فرماید: و از کناره شهر مردی شتابان آمد، این مرد حبیب نجار بوده است.

دیگر مقدمه قرآن است و آن این که مترجم گذشته از آن که سعی کرده ترجمه‌ای روان و شیوا به دست خوانندگان گرامی بدهد، این کوشش و جهد را که واقعاً توانفرساست بر خود لازم شمرده که قرآن را از جهت وجوه و نظایر ترجمه کند که مقصود و مفهوم از کلام الهی برای خواننده روشن شود، نه این که لغت عربی را به واژه فارسی درآورد؛ آنگاه خواننده و پژوهشگر قرآنی برای فهمیدن این لغت و مراد از آوردن در آن در این آیه به کتب مختلف تفسیر و غریب

و معاجم قرآنی مراجعه کند و پس از سرگردانی بسیار - اگر اهل ادب عربی و آشنای با زبان قرآن باشد - به همین وجه و یا نظیر که مترجم در آنجا گذارده و همگی مستند به کتب و متون استوار و اولیه اسلامی است برسد، لذا دوازده کتاب از متون دوره اسلامی که برای محققان و مفسران و پژوهشگران قرآنی مورد قبول و استناد است برگزیده و حدود سی الی چهل هزار مصدر - اعم از وجوه و نظایر و غریب و مقاصد - قرآنی را که در تمام این کتب به طور پراکنده پخش بوده؛ جمع کرده و چون دسته گلی تقدیم مشتاقان قرآنی نموده که الحق کاری عظیم و بس دشوار بوده و در تاریخ ترجمه قرآن - به این کیفیت - سابقه نداشته است. این ترجمه همراه با شأن نزول آیات و مبهمات قرآن پژوهشگر قرآنی را از مراجعه به بسیاری از تفاسیر و غیره بی نیاز می نماید؛ مگر آن که در مقام تحقیق در سطوحی بالاتر از اینها باشد.

اما غریب القرآن یعنی شناختن لغات قرآنی است که باز به وجوه و نظایر برمی گردد، زیرا در قرآن: روح به وحی؛ و طائر کم به مصائبکم؛ و محسنین به مهتدین، و هدیناهم به بیناهم، و امانت به فرائض و غیره تعبیر شده و باز می بینیم در ترجمه های گذشته - چه از عربی به فارسی ترجمه شده باشد و چه از عربی به عربی - بدون ذکر وجوه و نظایر؛ به وجوه و نظایر ترجمه شده، منتهی نه همه، بلکه برخی از لغات و غریبی که مترجم گزیری از آوردن آن نداشته و در ضمن مستند هم نبوده است.

دیگر مقاصد قرآنی است که به علم تفسیر باز می گردد، یعنی مترجم باز خواسته برای زودتر رسیدن پژوهشگر قرآنی به هدف و مقصد الهی از نزول آیه مورد بحث، همان نتیجه ای را که مفسران سه گانه اسلام طبق اسناد و روایات بیان داشته اند وی از تفاسیر سه گانه «مجمع البیان» و «جلالین» و «شبیذ» نقل نموده و در این راه نیز رنج فراوانی را بر خود هموار کرده و حتی کلمه ای از قانون ترجمه پا فراتر ننهاد و همان را بدون کم و زیاد - و یا حتی ترجمه آزاد - مستنداً در جای خود قرار داده که این خود کاری شگفت است.

و باز مترجم محترم برای آشنایی مشتاقان قرآنی و آگاهی بیشتر قرآن پژوهان از مسائل قرآنی که بر بسیاری مکوم و پنهان بوده مقدمه ای وسیع و پرمحتوا که خود کتاب مستقلی در قرآن شناسی است به نام «مشارق البیان فی مسائل القرآن» تألیف کرده و - همانند ترجمه - همه را از کتب و سخن محققان و مدرسان این فن آورده و مصدر به مصدر خویش نموده است که اگر ما بخواهیم درباره هر یک از مشرقهای دوازده گانه آن که خود شامل اشراقات - یعنی موضوعاتی - چند است قلمفرسایی کنیم از حد یک مقاله در گذشته و تبدیل به شرح مقدمه می شود و در پایان که مشرق دوازدهمین است تقریباً تمام «تاریخ القرآن» مرحوم ابو عبدالله

زنجانی قدس سره را که از بزرگان علم و تاریخ و قرآن‌شناسان معاصر بوده ترجمه نموده و ارمغانی برای مشتاقان قرآنی آورده، جزاه‌الله خیرالجزاء، البتّه بعضی از مشرق و یا اشراقها هست که غموضی فلسفی دارد ولی تا آنجا که شده مترجم محترم آن را ترجمه و به اصطلاح ساده کرده است، ولی به واسطه عمق مطلب و غریب بودن برخی مفاهیم و مصطلحات آن و ناآشنا بودن بعضی از اذهان از تعلقات فلسفی؛ غامض و ناآشنا مانده، لذا آن را یا باید از استاد فن پرسید و یا ان‌شاءالله با مراجعات مکرر و با لطف الهی غموضش برداشته شود - و ماذلک علی‌الله بعزیز - زیرا در حدیث آمده که کلام الله بر چهار وجه است: عبارات آن برای عموم مردم و اشارات آن ویژه خواص و لطایف قرآن خاص اولیا و حقایقش مخصوص انبیاست، پس اگر برخی مطالب بلندی در مقدمه به چشم می‌خورد امکان دارد از اشارات قرآنی باشد که انسان تا تحقق به آن مقام نیاید برایش حل نمی‌شود و اگر به قدرت و نیروی علمی آن را فهمید همین طور خام و نپخته در وجودش مانده و چه بسا مقدمه شک و انکار هم شود، پس به قول ابن‌سینا: هر چه را که انسان قابل درک خویش نیافت آن را در محل امکان قرار دهد و انکارش ننماید.

اما ترجمه: همانگونه که خوانندگان عزیز مشاهده می‌کنند ترجمه‌ای روان و عالمانه و استادانه است، چون ایشان گذشته از آن که حرفه و فنشان ترجمه، و به ویژه ترجمه و تعلیق متون معضل (مشکل) فلسفی است و تاکنون حدود دوازده کتاب از صدرالمآلهین را - گذشته از تصحیح - ترجمه نموده‌اند، لذا شیوایی این ترجمه - گذشته از لطف الهی - محصول تمرینات و تجربیات گذشته ایشان در آن ترجمه‌ها نیز هست که این توفیق برای همه مترجمان نیست و خود مترجم هم در این باره در اشراق ششم از مشرق نخستین یادآوری را در این باره به خوانندگان گرامی نموده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده سخن در باره این ترجمه را می‌توان از پایان‌بخش سخن استاد بهاء‌الدین خرمشاهی نقل نمود که: این ترجمه با در حدود ده هزار پانویست (که حدود سی‌الی چهل هزار مصدر) ارجاعی کتابشناختی در پای صفحات و نشان دادن منبع و مستند هر معنا و با هزار فقره ارجاع شأن نزولی در توضیح مبهمات، یکی از شیواترین، جدی‌ترین، علمی‌ترین، و کم اشکال‌ترین ترجمه‌های جدید قرآن است و به کار همه قرآن‌پژوهان، یا کسانی که نیاز به ترجمه دقیق و سراسر و متین و مستند از قرآن کریم دارند می‌آید. سعی مترجم و ناشر مشکور باد.

